

آیا مولوی اهل تسنن نسبتی با حسین بن علی داشته است؟

در قونیه به اتفاق دوستان محسن اقا ، رفته بودیم و در مراسم سالگرد مولوی حضور داشتیم و وقتی سلسله مولویه در مزار او شروع به دعا کردند ، سخنران دعا میکرد و مردم آمین میگفتند و بارها گفت : به حق شهدای کربلا خدایا....

برای خودم بسیار عجیب بود ولی بعدا که تحقیق کردم متوجه شدم بنده اشتباه نمیکرده ام

مولوی ارادت خاصی به حسین بن علی داشته است.هم در بحث شهیدان الهی هم در نوشته های خود اشاراتی لطیف به عظمت حسین بن علی داشته است . اما در یکی از داستانهای مثنوی واقعا طوفانی بپا میکند و غفلت عزاداران حلب را از شمر و یزید فعلی به باد انتقاد میگیرد

فشرده کلام اینکه میگوید روز عاشورا در حلب عزاداری برپا میشد یک شاعر غریبی به آنجا رسید و از سروصدای عزاداری تعجب کرد پیش رفت و پرسید برای کدام بزرگ عزاداری میکنید بگوئید تا مرثیه برایش بسرایم که من شاعرم در جواب یک نفر به او گفت تو دیوانه ای و شیعه هم نیستی نمیدانی که این روز از طوفان نوح هم مشهورتر است شاعر(که لابد رنجیده خاطر شده بود) گفت آری ولی زمان یزید کجا و چه دور بگوش شما رسیده است. شما باید نگران خودتون باشید چرا که آنها (اصحاب حضرت (خسرو دین بودند و بسوی دولت تاختند از زندان رها شدند تو برای دل و دین خراب خودت نوحه کن

روز عاشورا همه اهل حلب

باب انطاکیه اندر تا به شب

گرد آید مرد و زن جمعی عظیم

ماتم آن خاندان دارد مقیم

ناله و نوحه کنند اندر بکا

شیعه عاشورا برای کربلا

بشمرند آن ظلمها و امتحان

کز یزید و شمر دید آن خاندان

نعره هاشان می رود در ویل و وشت

پر همی‌گردد همه صحرا و دشت
یک غریبی شاعری از ره رسید
روز عاشورا و آن افغان شنید
شهر را بگذاشت و آن سوی رای کرد
قصد جست و جوی آن هیهای کرد
پرس پرسان می‌شد اندر افتقاد
چیست این غم بر که این ماتم فتاد
این رئیس زفت باشد که بمرد
این چنین مجمع نباشد کار خرد
نام او و القاب او شرحم دهید
که غریبم من شما اهل دهید
چیست نام و پیشه و اوصاف او
تا بگویم مرثیه ز الطاف او
مرثیه سازم که مرد شاعرم
تا ازینجا برگ و لالنگی برم
آن یکی گفتش که هی دیوانه‌ای
تو نه‌ای شیعه عدو خانه‌ای
روز عاشورا نمی‌دانی که هست
ماتم جانی که از قرنی بهست
پیش مؤمن کی بود این غصه خوار
قدر عشق گوش عشق گوشوار
پیش مؤمن ماتم آن پاک‌روح

شهره‌تر باشد ز صد طوفان نوح
گفت آری لیک کو دور یزید
کی بدست این غم چه دیر اینجا رسید
چشم کوران آن خسارت را بدید
گوش کران آن حکایت را شنید
خفته بودستید تا اکنون شما
که کنون جامه دریدیت از عزا
پس عزا بر خود کنید ای خفتگان
زانک بد مرگیست این خواب گران
روح سلطانی ز زندانی بجست
جامه چه درانیم و چون خاییم دست
چونک ایشان خسرو دین بوده‌اند
وقت شادی شد چو بشکستند بند
سوی شادروان دولت تاختند
کنده و زنجیر را انداختند
روز ملکست و گش و شاهنشهی
گر تو یک زره ازیشان آگهی
ور نه‌ای آگه برو بر خود گری
زانک در انکار نقل و محشری
بر دل و دین خرابت نوحه کن
که نمی‌بیند جز این خاک کهن
ور همی‌بیند چرا نبود دلیر

پشتدار و جانسپار و چشم‌سیر

در رخت کو از می دین فرخی

گر بدیدی بحر کو کف سخی

آنک جو دید آب را نکند دریغ

خاصه آن کو دید آن دریا و میغ

مولوی اشتباه نمیکرد. به عکس زیر دقت کنید که احتمالاً از زاغه نشینهای عراق تهیه شده‌است

به تمثال ائمه معصومین که به دلخوشی بر دیوارها نصب شده دقت کنید

بعد ببینید شیعه در عراق چه خدمتی به این محرومین کرده است. به تصویر رونمایی گنبد طلایی حرم ائمه دقت کنید که چقدر با روح ائمه سازگار نیست. اگر بود امام حسن عسگری به این بیچارگی شیعیان چه میکرد؟

همین بدفهمی هاست که مولوی را از رده است و من و تو را نیز به فکر فرو میبرد. پرداختن به در و دیوار و مقدس نمایی بهترین راهست برای دوری از مسوولیت شیعیگی که در آن حسین حرف از اصلاح امت میزند نه سینه زدن و مسکنهای معنوی برای احساس خوب بودن و نه خوب شدن



گنبد و گلدسته های حرم امامین جوادین (ع) در شهر کاظمین عراق روز سه شنبه ۲۳ شهریور ماه رونمایی شد. فقط ۱۱۰ کیلو طلا و ۱۴ تن مس بصورت مجانی از طرف ایران صرف این گنبدها و گلدسته ها شده



در تهیه مطلب بالا از سایت گنجور و ای میل خانم الهام استفاده شده است
سخنرانی [روز عاشورای](#) خانه توانگری را از دست ندهید

دل نوشته های سحری ۹ - مراسم "ایمان و توانگری" شب ۲۱ و ۲۳



توانگر "تدبیر" میکند و "تقدیر"ش ، "تغییر" میکند

انا انزلناه فی ليله القدر را اینگونه ادراک میکند که چنین شبی را به "تفکر" بگذراند و نه فلسفه بافی های راهزن امید و معما

اگر میخواهی در چنین فرخنده شبی ، فرخندگی را ادراک کنی ، باید اهل فرح و طرب باشی و خیری در عالم بیافرینی و آنگاه مانند صیاد منتظر حلول سرور در سینه ات باشی. اگر شک داری ، الان مقداری دانه برای پرندگان بریز و نظاره کن ظرف چند دقیقه دعای پرندگان را حس خواهی کرد ف یا برای گربه های خیابان و پارک محلتون کمی تکه مانده غذا یا ظرفی شیر بریز و ببین از جمع شدن آنها چه شعفی جانت را فرا میگیرد ، اینطوری " من خوب هستم" ای را تجربه میکنی که تو را به سمت احیای قلبت هدایت میکند و نیازی به روضه و گریه و ضجه هم نداری، اینها سلیقه تعدادی مداح بوده و سنت نبوی البته احیای قلب و کسب معرفت و دعای عافیت بوده است.

مولوی در داستان دفتر اول در [حکایت بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دکان](#) میفرماید که وقتی دکان دار به اشتباه ، بر سر تنها مونس خود یعنی طوطی زد و او نطقش کور شد ، به هر در زد تا او دوباره به کلام آید و در این بین یکی از این دریدری ها ، شاد ردن دل درویشان بود

روزی چندی سخن کوتاه کرد مرد بقال از ندامت آه کرد

ریش بر می کند و می گفت ای دریغ کافتاب نعمتم شد زیر میغ

دست من بشکسته بودی آن زمان که زدم من بر سر آن خوش زبان

هدیه ها می داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را

شاید این روزهای زندگی مون که بخشی از جانمان فرسوده شده و بی صدا ، وقتش است دلی را شاد کنیم تا به شادی آن ، ملکی دعایمان کند و جانمان از هم بشکفد

=====

انتخاب امسال مردمی که در خانه توانگری می آیند ، کمک به طرح "کوچه گردان امام علی" است ، اگر

جای بهتری نیافتید ، به وسواس ما اعتماد کنید که تجربه خوبی در کار خیر دسته جمعی با شاگردانمان داریم. اگر میخواهید در کمک به طرح کوچه گردان امام علی (ع) با دوستانتان در خانه توانگری باشید ، به ما تماس بگیرید و کمکهای خود را به حساب خانه توانگری واریز کنید و ما بدست دوستانمان در این تشکیلات میرسانیم ۸۸۸۴۷۵۹۳ داخلی

=====

شب ۲۳ ماه مبارک میزبان عارف هنرمند ، جناب استاد حمید عجمی ، صاحب خط معلی در هنر اسلامی و مدرس گلشن راز شیخ محمود شبستری در مراسم احیا خواهیم بود



=====

[دل نوشته سحری ۷- میگه به عمر خوب چند تا بهاره؟](#)

[بفرمایید دل نوشته های سحری و چای لیموی تازه -۶- مهربانی ناسالم](#)

[بفرمایید دل نوشته سحری و چای و لیموی تازه - ۵](#)

سر جلسه معارفه نوجوان توانگر داشتم رو سن توضیح میدادم که چشمانم قفل شد رو چشمانی آشنا چشمان مردی که ۲۳ سال قبل

[بفرمایید دل نوشته های سحری و چای لیموی تازه- ۴ هسته هلو](#)

وقتی مسوولانه سهم خود را میپذیریم و آگاهانه به تقدیر تن میدهیم ، مسیر عقده ای شدن و هپروتی زیستن ، مسدود میشود و میشی یه زن یا مرد با جای زخمی قدیمی ولی در عوض بیدارتر و انسان تر

[بفرمایید دل نوشته های سحری و چایی لیموی تازه - ۳- بیروت](#)

شب قدر ، آقایان مومنین با شلوارک و لباسهای راحتی و آستین حلقه ای و... خیلی ریلکس میشینند در مسجد و بعضی ها دراز کش و اعمال را کامل به جای می آورند .

دل نوشته سحری ۱۳ - مستان سلامت میکنند

به همت فواد فرشچی عزیز ، متنهای سخنرانی دکتر شیری در ایمان و توانگری ۹۲ در اختیار شما عزیزان قرار میگیرد :



جایی داشتم درسی می گفتم در مورد ویژگی انسان سالم. گفتم انسان سالم هم قدرت تعشق دارد هم قدرت دریافت عشق دارد و هم قدرت اشمئزاز. می تواند متنفر باشد. در برابر یک پیشنهاد بی شرمانه می تواند متنفر باشد. می تواند کراهت داشته باشد برایش این که من هم تن بدهم به روزمرگی هایی که همه دارد ان آنها از هم سبقت می گیرند. ما مردم خاصی هستیم. ما مردمی هستیم که قصه های متفاوتی داریم. ما مردمی هستیم که در گرم ترین هوای این سالها، آب شرب و لوله کشی بعضی مناطقمان قطع شده است. بعد تازه فهمیده ایم که ما سه برابر استاندارد جهانی آب مصرف می کنیم. ما ۲۵۰۰۰ کشته جاده ای داریم. ما به اندازه شبه قاره هند با بیش از یک میلیارد جمعیت مصرف گاز داریم. من دست شما رو می بوسم که این طور زندگی نمی کنید. در مصرف آب و زندگی اجتماعی تان؛

وقتی خیلی ها دارند بد زندگی می کنند، مجوز "خوب ماندنتان" را باطل نمی کنید.

این یک انتخاب است. یک تاریخ عرفان این مملکت آدم هایی بوده اند که "انتخاب" کرده اند. و گاهی باید فکر کنیم که چقدر ممنونیم که درست انتخاب کرده اند چون انتخاب های دیگری هم داشته اند. آنها توانستند "قدرت اشمئزاز" خودشان را حفظ کنند. به بوی بد بعضی رفتارها و بعضی کردار ها عادت نکردند. فردیت و انفراد خودشان را حفظ کردند. اگر ما امشب در شب موسوم به قدر یادی از حضرت علی ابن علی طالب می کنیم برای همین است. صبح داشتم شرح ابن اب الحدید می خواندم - که از شارحین معتزلی هست و برای نهج البلاغه شرح خوبی نوشته است آقای لایقی هم این شرح را ترجمه کرده اند- ابن ابی الحدید ، کتاب را از جهت فصاحت و بلاغت و تاریخت نوشته اند. البته ایشان از نظر علم کلام بسیار غنی بودند و می گویند که من بحث های کلامی رو در کتاب های دیگر کردم. ایشان از اهل تسنن هستند اما سیر کلامیش و فلسفیشون معتزلی هست و مقداری قرابت دارد با جنس تفکرات شیعه و اعتقاداتشون به امیرالمومنین از جنس افضلیت است نسبت به خلفای اربعه ، البته ایشان در این کتاب کار عظیمی کرده است که آن تبیین تاریخی کلام حضرت امیر است که در ده جلد جمع آوری شده و کتاب بسیار نفیسی است.

بعد از ۱۰ سال خلافت ، خلیفه دوم وقتی ایشان از دنیا می رفتند، شورای طراحی شد شش نفره شامل علی ابن ابی طالب، عبد الرحمن عوف، سعد ابن ابی وقاص، طلحه، زبیر و عثمان که دوتاشون داماد های پیغمبر بوده اند. زبیر پسردایی امیر المومنین بود. طلحه نوع دیگری فامیل بود و الی آخر... زبیر به نفع امیرالمومنین رفت کنار و طلحه به نفع عثمان. سعد ابن ابی وقاص به نفع عبدالرحمن عوف و نهایتا ماندند سه نفر. خلیفه گفته بود که اگر سه نفر ماندند، اون شخصی که عبدالرحمن عوف انتخاب کند ملاک است. عبدالرحمن در مقابل علی ابن ابیطالب ایستاد و پرسید شما به چه شیوه ای حکومت

خواهید کرد؟ آیا بر شیوه کتاب الله. سنت رسول و طریق شیخین حکومت خواهید کرد؟ حضرت جواب دادند من به کتاب خداوند، سنت رسول خدا و شیوه خودم عمل می کنم. این خودم، تمام بحثی است که باعث می شود انسان از کسی مثل حصرت بتواند درس بگیرد و لذت ببرد. نمی خواهیم کسی را بپرستیم کما اینکه سالها اسطوره سازی کردیم اما باید به دنبال اسوه باشیم. چون جناب عثمان ابن عفان همین شرایط را پذیرفت و عبدالرحمن عوف با ایشان بیعت کرد و خلاص و بعد از آن دوران حکومت تلخ ده ساله خلیفه سوم آغاز شد که اتفاقات زیادی در آن برای کشورهای اسلامی رخ داد.

امیر المومنین جلوه ای از این زیبایی است. ما در مجاورت ایشان زیبایی خودمون را پیدا می کنیم. یک ضرب المثل ژاپنی می گوید خردمند با سرانگشت خود ماه را نشان می دهد و مردم انگشت را می بینند. انسان کاملی مثل امیرالمومنین دارد ماه را نشان می دهد. ایشان دارند طریقه درست زیستن را نشان می دهند و بعضها در قد و قامت و تعداد زنان او گیر کرده اند! ما به بهانه حضرت امیر، مجاورت با زیبایی پیدا می کنیم برای خودمان.



مزار مولوی قونیه

عارف مجاورت با زیبایی پیدا می کند و جانش به رقص در میاید این ها همه نماد است. همین سمعی که میبینید که سلسله مولوی انجام می دهد ناشی از حجم زیبایی است که درک می شود و به شکل رقص خود را نشان می دهد. در سفری که به قونیه داشتم برای زیارت مقبره مولوی، وارد که شدم و نگاهم به قبر مشایخ افتاد، صدایی در گوش من طنین انداخت که ”مستان سلامت می کنند...“ روحی که در آن محل جاری بود و نغمه نی که در آنجا زده می شد من را به مستی و سرور و سلام می رساند. چون مولوی زیبایی را میدید که اهل طرب بود. به مولوی می گفتند تو فقیه بودی چرا می رقصی؟ می گفت شما برای همه چیز حکمی دارید، این را بگذارید برای ما. این طرب برای او قابل صحبت کردن نبود.

ما در مجاورت با زیبایی وجودی مثل امیرالمومنین به طرب واداشته می شویم. اشکمان اشک بر او نیست بلکه بر خودمان است.

=====

[دل نوشته سحری ۱۱ - به اتفاق عجیب - گزارش احیای ۲۱](#)

دارم آماده میشم برم احیا ، همسر خانوم کمی دیرتر از پله ها میاد پایین و کیسه آشغالها را میخواد بگذاره تو سطل سرکوچه ، نگرانم ترافیک باشه ،

[دل نوشته سحری ۱۰ - خداوند صیاد است.شب ۲۱ ماه مبارک - قسمت اول](#)

ما وقتی میخواهیم چیزی را ادراک کنیم باید خود را در سطح آن آگاهی ، هم سنخ کنیم. برای درک لذت استخر باید بریم تو اون فضا و لباس شنا تنمان باشد و تو آب بپریم تا بفهمیم لذت شنا یعنی چه .

متن سخنرانی دکتر شیری در شب ۱۹ - ایمان و توانگری ۹۲ -

قسمت الف

مجاورت با زیبایی انسان را نرم و مجاورت با زشتی انسان را تلخ می کند. شما در خانه یک موسیقی قشنگ و فاخر که پخش می شود بر شما اثر می گذارد. یکی هم نوع خشن موسیقی را انتخاب می کند. تمام بحث امشب ما در مورد همین مجاورت هاست... چراکه این مجاورت هاست که تعیین می کند هر کس اهلیت چه چیزی را دارد و در شب قدر به چه چیزی می رسد